حقوق متقابل مردم و حکومت اسلامی
از دیدگاه امیرالمومنین علی(ع)

سید محمد موسوی بهجورانی
رئیس فصلی

چکیده: واردات حقوق و تکلیف در واردات هستند که اثر متقابل بر یکدیگر دارند.
و تکلیف در واردات مردم حکومت در مقابل برنامه‌های قرار می‌گیرند به حساب متقابل مردم و حکومت مطرح می‌شود.

در حکومت اسلامی رعایت حقوق متقابل مردم و حکومت، از مهم‌ترین مباحث است که از سمتی به آن پرداخته شد. بهترین الگویی که در این زمینه مطرح است حکومت حاضری است. این حکومت با تمامی منابع و توانایی همان حکومت را به عنوان اصل حکومت در سرویسهای نظامی جهان در نظر داشته.

ازجمله حقوق مردم از گروه آن حضور، حق تعلیم و تربیت و حیات آزادی، حق عدالت و برای حقوق و حقوق انسانی، حق آزادی، حق در اختیار کنندگان و ارزش‌های انسانی و... است. این سویی دیگر، مردم ملزم به تربیت و توسعه یک چنین بخشی که به رهبری حکومت و اسلامی کامل و اجرایی اسمی نصب و خیره‌های نسبت به دو می‌باشد. این داستان از این حکومت و رعایت آن برای جامعه‌ای که مبادل نظری و فکری و عملی آن بر استاده تعلیم اسلامی و وحدات طراحی شده است، الزام است.

کلیدواژه‌ها: حقوق مردم، حکومت، آزادی، عدل.

1. استاد دانشگاه و مدیر گروه‌های حقوق و علوم سیاسی دانشگاه خرمشهر. (تربیت معلم).
e-mail: mosavi@ri-khomein.edu.ir
e-mail: tahooras_s@yahoo.com

2. محقق و نویسنده.

این مقاله در تاریخ 1388/07/28 دریافت گردید و در تاریخ 1388/08/28 مورد تایید قرار گرفت.
مقدمه
امروزه در بحث ضرورت زندگی اجتماعی انسان هیچ ترددی نیست. گراشی به بهره‌مندی هرچه بیشتر از موانع طبیعت، محدودیت‌های ثبات و امکانات در طبیعت، محدودیت‌های توان انسان با وجود برخورداری از استحکامات ایمنی و تعلق، آسیب‌پذیری در برای ابزار مشکلات زندگی و ضرورت به فضاهای وسیع است. از این‌رو چه در زندگی، فرایند اهمیت‌هایی که در زندگی فرودی امکان‌پذیر نمی‌باشد، از جمله عوامل روی آورد آنها به زندگی جمعی با یکدیگر می‌باشد. لذا یک جامعه با گردهمایی افراد و گروه‌ها و برقراری ارتباط میان آنان به وجود می‌آید و از آنجا که جامعه امروز در دنیای ما وسطماندیه و قرار گرفتند در یک سیستم معقول و مستحکم دارد، به‌گونه‌ای که تمامی نیازهای انسانی بهبود و تغییر نمی‌بیند و آنچه باعث تحقق این مهم می‌گردد، ضرورت وجود قانون و حکومت به عنوان عنصر قدرت است. با توجه به تکثیر مکاتب سیاسی و نظریه‌های مختلف جهان دو واقع قانون و حکومت دارای تفاوت و معنی‌های مختلفی می‌باشند. مقصود از حکومت در این نوشته ساختار عام آن است که شامل دولت به عنوان قوه مجریه، مجلس به عنوان قوه قانون‌گذاری، و قوه قضاییه می‌باشد. در اصطلاح امروزی نظام تأمین نمی‌شود.

در طول زندگی اجتماعی بشر همواره گروهی از مردم در مقایسه با هم‌معنی‌ها خود از مراحل بیشتری نسبت به یکدیگر برخوردار بوده‌اند. پرخی از ثروت و دارایی‌های مالی، مالیات، و سلطه بیشتر و پرخی دارای مالیات و شرایط بالاتر بوده‌اند. وجود مهیم نابرابریها باعث ایجاد گروه‌ها و تفرقه‌های اجتماعی و به اصطلاح امروز فصلی طبقه‌گیری وابسته است. این مشابه و تفرقه‌ها در مقابل یکدیگر قرار داشته و هر گاه این فاصله‌ها افزایش یافته باشد یکدیگر است باعث ایجاد اعتراضها و شورش‌ها و افلاقلهای بسیار بوده است. به همین دلیل همواره از یک حاکم و زمامدار انظار می‌روید که سیاست‌ها و برنامه‌ها را در بیشتر گیره که منابع ارزشمند جامعه به‌طور یکسان می‌افزار جامعه تهیه و توزیع عادلانه گردیده، بنابراین این خاص نیاز به یک نظام سیاسی قدرتمند بر اساس حق و عادالت همواره در طول تاریخ با جوامع بشری همواره بوده است.

حکومت انواع مختلفی دارد که یکی از آنها حکومت دینی (نئوکامسی) است که این نوع از حکومت و قوانین حاکم بر آن بر اساس سیاست‌های مختلف و الهی است. انظار از چنین جامعه‌های مختلف در زمان‌های مختلف است. نتیجه از حاکمیت این حکومت این است که رفتارهای خصوصی را با
دیگران، اعم از مخالف و موافق و بیگانه و غیربیگانه و... بر اساس دستورات دینی استوار گردیده.

همانطور که از مردم انگارن می‌رود که روابط خود را حکومت بر اساس روابط دینی تنظیم نماید.

قانون‌گذاری در یک حکومت اسلامی منحصرخ خدامت‌های یک بشر می‌تواند احکام حکومتی صادق اسلامی باشد، لذا ضرورت قانون‌گذاری در اسلام را قانون‌گذاری در دیگر مکاتبات در اساس و مبانی قانون‌گذاری است؛ این بر اساس (برخلاف مکاتب دیگر) قانون بر اساس مصلحتی است که نه انسان به آن آگاه است و این همان قضاوت نظام مردم‌سالاری دینی با سایر نظام‌های مردم‌سالاری است که همان یاپای رئیس اصول و مبانی سیاست و حکومت بر اساس اسلام است که قولی‌نشی بر اساس مصلحت انسان‌های دینی، این همان دخالت نسبی‌ها به جای دین در سیاست است. عده‌ای معتقدند، دین از سیاست جداسته، زیرا سیاست با فریب و نیروگر نوام است در حالی که این در پی اخلاق و کمالیت انسان است و این دو با چالش مشترکشان در شخصیت که حدود و قوانین الهی در آن اجرای می‌گردد و این امر بدون سیاست ناممکن است. لذا اگر در یک حکومت دینی، دو رنگ مردم و حکومت، دارای ضوابط و قوانینی خاص رفتار و علومی بایستد.

پیشنهاد و حکومت برای رساله‌ای به آرامشاه و ارزشهای دینی، در جهان‌ی دین می‌باشد.

مشخصی، مستنی‌ها را در قبال یکدیگر دارد که این روابط دوستی به حقوق منطبق مردم و حکومت اسلامی تعیین می‌شود. بنابراین، مقصود از حقوق مردم بر حاکم مجموعه‌ای از حقوق‌های علمی‌ها، علی‌الله می‌باشند و نیازهایی به حق و مشروط جامعه است که حکومت مکمل است آنها را رعایت کند. همچنین، مردم در حال دیدگاه این حقوق تکلیفی نسبت به حاکم جامعه دارند.

در این مسئله حضرت امام علی(ع) رابطه حقوق مردم و حکومت در درگاهه و منطق است. اگر حق خسته، درد و صدای این رابطه است و هر دو طرف ملزم به رعایت آن هستند. حکومت امیرالمؤمنین(ع) حکومتی است که رفتارهای انسانی به وسیله اعمال و دفاع و آسان ارزشمندی ذات انسان، سرلوحه تمامی سیاست‌های حکومتی قرار گرفته است. حقوقی که امیرالمؤمنین(ع) در کلام زیبا خود درنگ نمی‌باشد بیان می‌کند و بیان آن می‌پردازند. کاملاً متفاوت با سایر مکاتب دینی و مذهبی و سیاسی می‌باشد. در نگاه ایشان، تمامی این حقوقی حق طبیعی انسان
است که به صورت فظی از همان بدو تولید، بر اساس ارزش داری انسان به او داده شده است؛ لذا حقی نیست که حاکمان بخواهند آن را تعریف کنند و به مردمان به‌دهند. بلکه حقوقی است که همواره موظف به رعایت و محترم شرودند آن را بشناسند.

حکومت جمهوری اسلامی ایران که مبانی سیاسی و حکومتی بوده است، این را بر اساس اصول اسلامی در تمام مراحل و عصرها از جمله مبانی سیاسی و حکومتی خود می‌باشد و از آنجا که قانون اساسی هر نظام سیاسی بر اساس مبانی فکری آن نظام استوار است، قانون اساسی ایران هم بر اساس مبانی دینی‌الاسلامی تنظیم گردیده است.

لذا نظام جمهوری اسلامی ایران از لحاظ مبانی اسلامی و قانونی غنی است، اما آنچه مهم است اجرا در نمودن این قوانین و پایه کردن آن در سطح جامعه به‌طور یکسان و برابر می‌باشد.

جداول اسیری المهمین علیه (۲) به عنوان جامعه ترین و کامل ترین حکومت دینی، دیگر بسیار افزشمندی در جهت عملی کردن این قوانین می‌باشد. لذا هدف از این حفظی است نظیری است، استبناط و استخراج این حقوق از دیدگاه حضرت علی (۲) و ارائه‌های از دیدگاه قانون از دیدگاه ارزشمندی در حکومت اسلامی است که تا به اندازهای بسیار حکومتی می‌توان به کمال جامعه مطلوب بر اساس مبانی و معافیت الهی دست یافته.

تعیین و باز ها

۱. تعیین حکم

۲. حکم در لغو به معناه «امر کردن»، قانون داده و «دستور» آمده است. برخی از اهل لغت در معنای آن گفته‌اند: «القضاء، و اصله المعنی، بل کل حکم نه این اما من خلافه» و حکم در این الفرم: فصلت بينهم قانونا حاکم... يقال الحکمة لأنها تمنع سباحة من اخلاق الأزهلال (نبی موری ۱۰:۲ و ۱۴:۲). بدون ترتیب، حکم در ان لغو به معناه قضا و معنی است. حکم کردن، يعني کسی را از مخالفت دستور معنی نمودن و در اصلاح عرف، استاد امری به امر دیگر است به ایجاب یا سلب. در میان اهل مثل: نفس استاد را گویند که انداده آن تمبیق می‌باشد، خواه ایجاب یا سلب. حکم در اصلاح عرف و اصول خطاب ذات اقدام باری تعیین به مکلفان است. که به دو نوع تکلیف و وضعی تقسمی می‌شود. حکم تکلیفی حکمی را گویند که متعلق به افعال است
به اقتضا و تبخير اقتضا شامل وجوه ندب، حرمت و کراحت قیشود و مراد از تخبیر اباحت است. هرگاه اقتضا فعمل باشد، با معنی از تخبیر به ترک است وجوه، و اگر بی معنی از تخبیر باشد ندب است. اگر اقتضا ترک باشد، با معنی از تخبیر به فعل است حرمت و اگر بدون معنی از تخبیر باشد کراحت است.

(2) تعریف حكومت

حکومت، مصدر و از کلمه حکم، گرفته شده است (شتریون ج 1208:28). این جمله در معناه حکم گفته‌اند. حکم به معنای داوری و قضاوت است و حاکم کسی است که حکم را به اجرا در می آورد و حکومت نیز معنای حکم دادن، فرمان دادن، فرمانرانی کردن است (عمری 1372:258). در قله پر عزة حکم به معنای ناصحی به کار بردند. است حکومت فرمان شرع در رابطه با افعال مکانی است. این منظور ما از حکومت به استناد رایج آن این است که حکومت، قدرت سیاسی است که امر ونهی می‌کند. قانون‌گذاری، سیاست‌گذاری، و اجرا را افراد و مسئولیت قضاوت و اجرای نظام و امتیاز را به دوش می‌کشد.

حکومت از دیدگاه حضرت علی (ع)

حجمت در هیچ‌یکی و در سیره علی (ع) به مفهوم (مدیریت، هدایت، منجیب، مشاوره و خدمات به مردم است. این مفهوم به زبانی نام می‌بخشد در عمل (ع) جلوه برانگیخته است. حضرت علی (ع) در حاضری که از حکومت در آنان مردم باقی مانده بود از بین پیر و مفهوم درست و حقیقی آن را محقق سازید. امام علی (ع) در نامه‌ای که به اشعه بن صالح آذربایجان نوشته است فهم نشود درست و اساسی حکومت را مطرح می‌کند. اشعه بن قیس پیش از حکومت امام (ع) در دوران خلیفه سوم به استانداری آذربایجان منصوب شده بود و حکومت را آنگونه مفهوم که فهم را می‌خواهد، سوم بود و علی اقتضای خود را شکایت کرد. نامه امام علی (ع) به او در تبریع نگاه آن حضرت به حکومت و دریافت حضارت از مفهوم حکومت بسیار در حضرت دقت و توجه است.
فراشبان آن حضرت به این معانست که همانا یا فرمانداری برای تو و سیله آب و نان نیواده، بلکه اماتی در گردن توست. باید از فرمان‌ها و امام خود اطاعت کنی. نو حق نداری نسبت به رعیت استبداد ورزی، و بدون دستور به کار مبهم اقدام ننمایی. در دست تو امواجی از لرتهای خداهای پرگر و عزیز است، و تو خزانه‌دار آنی تا به من بیماری. امیدوارم برای تو ببدترین زمامدار نباشم یا درود.

بنابراین در اندیشه سیاسی امام علی(ع) در مفهوم حکومت هیچ نشانه‌ای از تسلط، جبر و خود کامگی نیست و گر زمامداران خود را مسلط بر مردمان بیپیند، و احساس کنند که بر هر تصمیم و عمل مجازن، یک جمیع به خود کامگی و سلطه گری کشیده می‌شوند، بلکه مفهوم حکومت، مدیریت، امانت داری، خدمت‌گزاری، مهوروزی و هدایت مستندی و پاسداری از حقوق و آزادی‌های مردم است.

حق ۳
وازه «حق ۳» مانند سایر واژه‌ها و کلمات، دارای دو معنا لغوی و اصطلاحی است. «حق» (ح ق) در قاموس لغت به معنا درست، تعقیب، باطل، و موجود نیست، است (طبری ۱۳۴۴، ج ۱۴، ص ۱۸۵). وجد و ثابت که انجاگر آن روا نباشد، و نیز به معنا و موجود مطلق و غيرمطلق است. این که به هیچ مقدمی یافته نشده باشد، یعنی به معنا ذات اقدام باری تعاملی است.

(نهاهنی ۱۳۹۶ ج ۴۳۳).

حق ۴
حق از ریشه «حق» می‌باشد و به معنای «درست کردن، درست دانستن، واجب شدن» واجب کردن، ثابت که انجاگر آن روا نباشد، صحت، صواب، حکم مطلق به را واقع، سرا، عدل، اصفح، بهره معنی کشی، آنچه ادای آن واجب باشد، شایستگی، نامی از تمامی خداوند، متعال است» (تحویل ۱۳۰۸، ج ۱۰۷).
حق در لغت، مفرد کلمه حقوق است و در زبان فارسی به معنای سزایارا، روا و مقابل باطل است و در زبان عرب نیز معادل همین معنا را دارد؛ کما اینکه گفتند: «جا الحق و زهق باطل»، پس حق در مقابل باطل است، همان گونه که روا در مقابل نارواست.

حضرت امام خمینی (ره) در تفسیر حق می‌فرماید:

به‌شکلی، حق یک ماهیت اعتباری است که در برهه‌ای موارد مفهومی است و در براهای از موارد شریعی است، مانند اعتباری بودن ملکیت، حق از احکام وضعی است، همچنین یک‌گان حق دارای یک ماهیت است در همه اقدام و مصادری و در اینکه مفت مشترک معنی، است میان مصادری آن (مام خمینی)

۱۳۹۱ ج.۳۹

۲) تعریف تکلیف

در لسان اهل لغت، تکلیف از ریشه «کلف» به معنای امر یک کردن به چیزی است که انجام آن دشوار است. در اصطلاح و فرهنگ دین، تکلیف به فرمان الهی اطلاق می‌شود (جوادی آملی:۱۸۵۰). مراکز دیگر تاکلیف وظیفه و مسئولیتی است که شخص مکلف در برآور صاحب حق ملزم به انجام آن است. به دیگر سخن، تکلیف عینی احترام به حقوق دیگران و رعایت آن‌ها می‌باشد. از تکلیف، حکم و فرمان‌ها است که به عنوان یک وظیفه از سوی مقام ذی صلاح صادر می‌شود. هر تکلیف ملازم با حقی است که برای دبیرگان در نظر گرفته می‌شود و هر حقی نیز تکلیفی را برای دبیرگان به همراه دارد. وقتی می‌گویم، کسی حق دارد از چیزی بهره می‌مند، هو این معنای است که دبیرگان نکلیف دارند حاکم و را محترم بشارند.

تکلیف، به معنی فرمان به کار دادن به یادگیری و در جای دیگر به معنی به زحمت اندیشانه‌ی یا درخواست‌های خودی است که در آن رتیح و دشواری باشد (البته ۱۳۸۲/۲/۱۸۴۶)، همچنین به معنی کار دیگران، می‌توان یک کردن به کار ساخت و پرورش دادن، وظیفه و امری که به عهد شصت است و باعث انجام شود، می‌باشد (۱۳۷۷/۱۱/۱۴۴) به معنی مکلف کردن، کار ساخت رجوع کردن، تکلیف شرعت داشتن، به حکم شرعی عمل کردن، دستور مذهبی را انجام دادن و تکلیف به جا آوردن به معنی انجام دادن آمده است.
حقوق مستقبل مردم و حكومت

اشتهاری در زندگی گذشته ایفایاداری امتیازات و حقوقی است که لازمه حیات اجتماعی است. برخی از این حقوق از اهمیت نسبی دارند و برخی غیر از اهمیت نسبی دارند؛ اما برخی از حقوق از اهمیت زیادی برخوردار است که

پی اعتنایی به آن موجب زوال حقوق اندی ساییند. برای اینکه قانون در جامعه به امتیازات خود دست یابد، باید به تعداد حقوق دیگران نزند، لازم شد که ضوابط و ساختاری شکل یابدند که به همه افراد، همسان به حقوق و امتیازات خوشبینی دست یابند و به حق کسانی تهدید نشود. مجموعه قراردادهای اجتماعی را که برای ساختار امور عمومی تنظیم می‌گردد، قانون می‌نامند (جوادی آملی، ۱۳۸۵:۳۴۲). لذا همان‌طور که گفتیم، یکی از اهداف تشکیل حزب‌القرآن در جامعه می‌باشد.

تا بایدین وسیله تضمینی برای احیای حث افراد باشد؛ اما این برقراری نظم و اجرای قانون تنها به صورت یک طرفه امکان‌پذیر نمی‌باشد؛ زیرا در حقوق مستقبل مشاب حکم مردم بر حزب یکی بر حزب بر حزب و حق حزب بر مردم، حق همراه تکلیف را همراه خود دارد. اگر مردم به حزب قبیحی دارند، حزب نیز نسبت به آنها تکلیفی دارد که با انجام دهد و آگر حزب نسبت به مردم حقی دارد، مردم نسبت به حزب قبیحی دارد.

اصول تقابل و تمایل حق و تکلیف در حزب علوی

در جامعه علوی، دو اصل خاصی است که از آن به اصل "تمایل حق و تکلیف" و اصل "تمایل حقوق مستقبل"؛ یاد می‌شود. به این بیان که هر حفی برای شخصی یا اشخاص ثابت شود، تکلیف نیز برای آن آنها ثابت می‌گردد که معتقد آن اشخاص برای طرف مقابل است. این رابطه به صورتی عادلانه و مستو برقرار است؛ یعنی به همان مقدار که مردم در برای حاکم اسلام محقق هستند، به همان مردان، نه کمتر نه بیشتر در برای برنا مکلفند. این حضور در این باره به دستور که می‌فرماید: لا بجیری لاحق‌الاجیری علیه، لا بجیری الاجیری علیه، لا بجیری الاجیری علیه، به ترتیب می‌باشد.
حق اجرای سود کمی اجرای شد و ناگزیر به زیان او نیز روزی به کار می‌رود، و چون به زیان کمی اجرای شود روزی به سود او نیز جریان خواهد داشت. اگر باشد حق به سود کمی اجرای شود و زیرا نداشته‌باشد، این مخصوص خدای سیب‌خان است نه دیگر آفریده‌ها.

(۱) حق نصیحت و خبر‌خواهی

یکی از حقوق که حضورت علی(۵) در سخنرانی خویش به آن اشاره می‌کند، حق نصیحت و خبر‌خواهی است. از این حق به عنوان او لین حق‌یاد می‌کنم زیرا شاید بتوان گفت تا حاکمی خبر‌خواه مردم نباشد. هر گزینه‌ی توانایی سایر حقوق مردم را رعایت کنند. اگر حاکمی همچنان شاهد اشتیاق مردمانش باشد، و اصلاح دین و دنبای آنها باید او ارزش و ماهیتی نداشته و سعی و تلاش برای آنها نکند، مطمئناً این فرد، قردن‌است که به مردم جامعه فقط به دیده‌ای زیادی نگاه می‌کند. که او را به هدف خویش می‌رساند.

لذا حاکم اسلامی با توجه به مسئولیت خطر و بزرگی که بر عهده‌دار، لازم است به سان پدری مهربان نسبت به فرمال داده، خود خبر‌خواه جامعه اسلامی باشد و با اعدام کنید. سیاسی و اجتماعی دارد، آنان را به حرمت فردیت، خیر و صلح جامعه نگهدارید. حضورت علی(۵) در خطبه ۲۴ به عنوان نخستین حق مردم به خود به عنوان حاکم جامعه اسلامی می‌فرماید:

"فلما حضورت علی(۵) نصیحت نکرده: اما حق شما بر من آن است که از نصیحت و خبر‌خواهی شما دریغ نورزرم.

اما حاکم پس قانون اسلامی باشی و ارزش‌های افتخاری مرا در رأس تمامی از این حقوق‌ها دیگر قرار داده و با محور قرار دادن آن، اصول حاکم بسیار خود را بیان کنند. پیشینه به فکر تقویت اقتصاد مردم و فهم دین آنها بوده و در راه هدایت آنها به سوی کمال برنا بیزی کنن. بی‌نازی حاکم بی این نقص مهم، جامعه را به سوی تواضع و دویی از دین که اصول تربیت بخش زنده‌گر هر فرد می‌باشد، می‌کشانید. حضورت علی(۵) می‌فرماید: "الله پس علی امامان اما حمل من امر رهبه: الاعلامی، المواضع و الاجتهاد فی النصیحت (دنیه: ۱۳۸۲، خطبه ۱۰۵) همان‌بار ارمان نیست جز آنچه از جانب پرور دگر بر عهده او گذاشته شده است: کوتاهی نکنردن در موضوع و کوشیدن در نصیحت."
حق آزادی
آزادی، از آزادی است که از همان ابتدا، تاریخ هر ماه انسان را بهار و همراه پیژش آن در جوانه و حکم‌های پیشگویی متفرقه مطرح بوده است. واثآزادی در تاریخ زبان‌شناسی متافت، از همان مثال‌های متعددی داشته است. لغات متافت آزادی عبارتند از: رهپای، اختیار، علمی، مداخله، عدم محدودیت، عدم وجود مانع و عدم فشار لغات مختلف آزادی عبارتند از: قلی، بنده، مداخله، محدودیت، فشار و بنده، رهپایی، عضویت، جهانی، اجبار و استبداد (جهان برگی ۱۳۸۴:۱۲). افراد متفکر ممولاً در این مفهوم آزادی دچار سردر گمی شده‌اند، اما آگاه بی‌پریزم که در حوزه زبان‌شناسی یک واقع در موانع مختلف با مفاهیم متفاوت به کار می‌رود، از سردرگمی نجات می‌یابد. با این همه، این نوع مفهوم در تفسیر‌های آزادی قدر مشترک همه متفکران درباره آزادی است: "آزادی حقیقی" و "آزادی کاذب". به این ترتیب، وجود اسطول‌های آزادی در حاکمیت انسان بر اعمال، رفتار و سروش خود است (جهان برگی ۱۳۸۴:۱۲).

الف) آزادی در حکومت علیه
مفهوم آزادی در مکتب اسلام‌سیرای ارزشی یا ارزشی به واسطه‌ی مبادله‌ی که به صورت فضایی از همان ابتدا با انسان اخلاق شده است، با این آزادی و اخلاقیان، راه و روش خود را در زندگی انتخاب تماشا می‌کند.

از دیدگاه اسلام انسان موجودی است دارای ادراک و قوی تشخیص، و از این رو مسئول است. این مسئولیت خواهد افراد باید بر اساس انتخاب باشد. خداوند می‌فرماید: "خدایم، وضعیت هیچ قوم و گروهی از انسان‌ها را نگرفته‌ای که. من، هم‌گروه آن‌ها خود بخواهیم". نیز فرمود: "هر که خواست ایمان یادود و هر که خواست کفر بوده است". فانوگذاری در اسلام بر اساس توجه بوده و پاپی دیگر آن فضایی اخلاقی است. نتیجه می‌گیرم که آزادی در مکتب اسلام به معنای از بینگانه رستم و به دوست بی‌پروین است. اسلام انسانی را آزادی می‌داند که در تمام کردار و تفکرات خود از قید و بنده، عضویت و بنده، غیرخدا خودرا برای انسان به بار آورده است.
آزادگان، به بندها و عبوديت خدا مستخرگر در کنار ایست همه مولا علی(ع) می‌فرماید: "قیبعت مالک (ص) با حق به خرج عبادت من عبادت اولانکل ایست عبادت، و من طاعه الشیطان و طاعه (دشمن) را به حق می‌یابد ساختاً بندها و برایش را نگرفت، زنده و به عبادت او دعوت کند و آنها را از زیبای طاعت شیطان آزاد ساخته و به اطاعت سقوط دهد.

آزادی فردی: بدون ترددی هر کسی آزاد آزادیه، زیرا آزادوی آماده، آدم ایمالیش را آزاد آفریده. امام علی(ع) فرومود: "الانکن عبد عزیزک و قد جعلکن الله خدا. (دشمن) ۱۳۸۱: آسمه ۳۱". مولا علی(ع) فرومود: "فرزندان آدم ایمالیش بعضی آزاد و بعضی برده نیستند، بلکه همه مردم آزاد به دنیا آمدند. (کلیه) ۱۴۶۸ ج ۶۹".

یکی از نمونه‌های یکباره در اسناد آزادی فردی در حکومت علیای این است که حضرت هر گز مردم را مجبور نمی‌کرد که یا تابع قدرت باشند و در منطقه‌ای که تحت نفوذ ابست زندگی کنند و سپاره از مردم که پول را ببرند و دنیا را ببر آنها ترکیب داده و از عراق و حجاب به شام وطن‌دان با معاویه ملحق گردند، امیرالمومنین(ع) مانعین تا معتقد به مجددت و منجری آنها را نگرفت و مجبورشان کرد در عراق یا در حجاب بمانند و زیرا معطوف بود که مردم آزاد هستند، و می‌توانند به هر چی اکثریت یا باید در آنها زندگی کنند.

آزادی عقیده و پیام: در اسلام، آزادی اندیشه و عقیده از مهم ترین حقیق شهروندان است. آن‌طور یکاره، دو اثرات از آزادی آقایان و عقیده: عقیده و دیگر دلایل دارد. در جامع عالیه هر فردی آزاد است آن‌گونه که خود می‌خواهد. فكر کند. چرا کسی می‌تواند افکار، شک و دوستی کلی زندگی خود را داشته باشد. در تعقیب علاقه‌مندان، فلسفی و ماهیتی خود آزاد باشد. بدون آنکه مواد قانونی او نسبت به شکل خاصی از ماهیاب یا دیگر اعمال متزم کند، یا باید دارد (جهانی بزرگی) ۱۳۸۴: ۷۲.

امام از برجسته‌ترین حامیان و هواخواهان اصل مدارای مذهبی بود. یاران وی هر چه قدم می‌گذاشتند، ضمن احترام به مذهب بومی، آنها را در پی تبریغ اسلام با مانند. در دین خود و پرداخت مالیاتی به نام (جزیه) مخیر می‌نمودند (جهانی بزرگی) ۱۳۸۴: ۷۲. سلسله فارسی در فتح
الذين ساكنان آنها را در اعتقاد داشتن به دو چیز مخیر نمود: یا مسلمان شوند، و دارای حقوق برابر با مسلمانان شوند، یا برکیش خود بمانند و مالیات ویژه پرداختند (عیسی 1402، 368).

روش حضرت امیر المؤمنین علی(ع) این بود که سعی می کرد مردم را از جوانب مختلف یک امر آگاه کرد تا مردم با شناختی که نسبت به آن پیدا می کنند دست به انتخاب بزنند. او همیشه سیاست‌های خود را برای مردم تشریح می کرد تا مردم با آگاهی کامل آن را تایید کرده و اظهارنظر گنگی که مردم در امری مخالفت می کردند، امام(ع) با ارائه پاسخ‌های منطقی و دلایل قانع کننده، سعی در روش‌گری مردم داشتند و اگر نمی‌پذیرفتند، امام(ع) هیچ گاه نظریات خود را تحمیل نکرده و همیشه طالب آن بودند که مردم آزادانه و با شناخت کامل، سیاست‌های او را تایید کرده و راه خود را به انتخاب کند. (علیخانی 1381: 73).

آزادی انتقاد و رفتار حضرت با مخالفان سیاسی: حقوق مردم نهایا در انتخاب حكومت و حاکم و تشکیل حكومت دینی منحصر نیست. مردم صاحب امتت و حق شمرده می‌باشند از حق نظرات و انتقاد برخوردارند. و می‌توانند در صورت تخلف حکمرانان از موازات تعیین شده و سوادن، نیفتادن نظرات و انتقاد در مسیر برکاری حاکم گام‌برداردن امیر المؤمنین علی(ع) با آن‌که امام معصوم بود، از مردم می‌خواست یپشته از حق انتقاد و تصاحب حکم استفاده کند: همین‌طور نکف‌ها عن قائله بقای او مشوره بی‌بأی تازه 1382: 121، امام، از گفتن قره و رازی‌گی عادل‌آهان درخو، نکف‌ها؛ زیرا از فوق خط شمرده نمی‌شود و از آن مصون نیستم؛ مگر انگیزه دنیا و پارامند کند.

آزادی احزاب و گروه‌های سیاسی: فضای آزاد حاکم بر حکومت علی(ع) از این دیده شد چراهانه فکری و سیاسی بسیاری شکل گیرد. این گروه‌ها که برخی از آنها به دلیل انگیزه و چنین بکار گرفته گروه‌های آزادی برخوردار بودند و به انتقادهای گروه‌های همسر و همراه امام آزادی بهره می‌بردند، (مصعصک 1381: 123).

ن 영ی، قابزین و مارفیس، سه گروهی عمده سیاسی مخالف امیرالمؤمنین علی(ع) در دوران حکومت کوشنارا او بودن که به امام و روش حکومت او اعتراض داشتند و نارضایتی خود را به اشکال گوناگون ابراز می کردند، سپس امام در برخوردار با اعتراضات این سه جریان سیاسی به خوبی توانست به آنها اجرا یافت، این گروه‌ها را به صرحت بیان کنند، مقصودش هرگونه انتقاد نیست. مقصود آن نیست که افرادی قادر به درخواست های خود را به صرحت بیان کنند،
می‌توانید برای رسیدگی به مسائل سیاسی خود به بهانه آزادی بیان و قلم، هر آنچه می‌خواهید بگویند و بنویستید.

(ص) ب عدلات در حکومت علیه پس از رحلت پیامبر اکرم صلی اللہ علیه وآله وصیه، اسلام ورسیدن خلفا اسلامی، از میسیر اصولی خود منصرف گشت به سوی عرب جاهلیت حکمران کرد. ب عدلاتی، تعیین، قفر و شروط‌طلبی و جاهطلبی، فن بالا سرعت در میان خلقا و ادامه عمر عرب رشده بی‌پاسا کرد که حتی ظلم جزء تفکیک‌نابینای سیاست‌های حکومتی گردید.

ظلم را واژه مقابل عدل معنی کرده‌اند و بارزترین ظلم در آن زمان، به خلافت رسیدن خلقا و حکومت آنان بر سالمان بوده و آنان همچنان که حکومت را به صورت نااعادلانه به دست آورده‌اند، به همان روش هم بر مرم حکومت‌کردن.

حضرت امیرالمومنین علی(ع) از این خلافت رسیدن اصل عدل را به عنوان یکی از مهم‌ترین اصول سیاسی حکومتی خود بیان کرده و در اجرای این اصل چندان جدیت به خرج دادند که حتی جرجی زبانی گفت است: علی(ع) که عدلات حواشی است.

همانطور که ابتدا بحث عدلات مطرح شد، حکومت زمانی به دست حضرت علی(ع) سیر خود که دچار وادادت و تعیین هویتی گردیده بوده به‌طوری که عده‌ای از مردم از فشار زندگی در فقر به تنگ آمده و عده‌ای دیگر در ثروت فراوان زندگی می‌کرده. حضرت امیر(ع) از همان ابتدا از پذیرفتن سیره شهرتی که بر مبنای بی‌عده و باعث افراز و زیردست و زمانی که به خلافت رسید، اعلام کرد: آنچه که بدن‌مان مقوم در میان شما جامعی خواهند کرد (مجلی(ع) ج 14 ص 347).)

لذا یکی از مهم‌ترین اهداف حضرت امیرالمومنین علی(ع) در حکومتش ساختن جامعه‌ای با اقتصاد سالم، درآمد بالا، دارای عمران و آبادی بود که مردم با پرخورداری از رفاه نسبی به معیونت و رشد و کمال نبود و سطح فرهنگی و آگاهی خود می‌پردازند. در برنامه‌ها و شناخت‌های اقتصادی امیرالمومنین علی(ع) "المان" بارزترین و مهم‌ترین چیزی‌ها را از آن خود ساخته است و تمام برنامه‌ها در جهت و توسعه و کمال جامعه حول محور انسان و سعادت او می‌چرخد.
این را به خویب می‌توان در انتهای حکومت کوتاه حضرت مشاهده‌کرد، پس از حکومت
جهان سال و چند ماه، رشد عدالت اقتصادی به حدی رسیده بود که در محور محدود حکومت ایشان
دیگر فردی شب گردنی می‌شد. نمی‌گذشت و از درآمدهای دولت به‌همراه بود. یکی از راه‌ها
و اعتیافات حضرت در این موقعیت شناخت زندگی کلیه اقشار و طبقات جامعه بود. لذا با یک
برنامه زیست دقیق و صحیح به اصلاح آموز اقتصادی پرداخت. حضرت علی از نامه به مالک اشتر
می‌فرماید: «آموز در اعتیافات طبقات لا يصلح بعضی‌ها البته و لا غنی بعضی‌ها عن بعضی...» (دندی
۱۳۸۲: نامه ۵۳: بدان که رعیتی مشکل از طبقات است که مسلمان به پیام‌های زندگی بعضی از آنان
نمی‌شود مگر با بعضی دیگر و با قسمتی از آن طبقات نمی‌توان از قسمت دیگر پیامز شد...)
حضرت علی ابوده خویب بر طبقات جامعه‌مان خود اشاره داشت و برای هر یک توصیه و
برنامه خاصی خود را ارائه کردند و حکومت‌مان خود را موظف به پیرای این برنامه‌ها نمودند.

عدالت اجتماعی و برای و سواست و حکومت علی: نظام حکومتی آمی اباد با اساس قلبه در
چیت‌پیام اجتماعی، اقتصادی بود. حضرت علی ابوده این مه و را دو گروه می‌دانست: مسلمان
که برادر دینی است و غیر مسلمان که انسان است و دارای شنون انسانی است و در هر یک
مراعاتی باشند. این نظام طبقاتی و تشییع بیت المال بی‌خیال گنوه که توسط عمر پیدا
ایده بود، خامیه داد و همه را در میزان به گریز از بیت المال مساری اعلام کرد. واکنش‌گی پیام
بوت، نسیج دیپس و... این مردم شرتوی و حمایت با ماجراجونی ایمان برخوردار کرد (قاسمی
۱۳۸۲: میت و در رعیتی سواست و جان پیش رفت که چهار زرد و نزار و موالی سرویک که کان
یکنان اولی و حالی پی دروری شنیستند و را تحت نفوذ قرار داده که به ایشان دیگران
پیشش داشته باشد.

در مکتب حضرت احترام و این را به ایشان دیگر دارای پاس و شرافت نبست، مگر کسی که نقی و
طلعت الهی داشته باشد، و لیس لاحقی علی احترام پاس ایشان نبود. به اصل فوق در مکتب علی به ایشان دیگر از اهمیت
برخوردار است که حضرت از حاکمان خود می‌خواهد که حاکم در ابتدای بروز حرکت کات
پس از مارد مانند نگاه کردن، اشاره کرد و سلام دان اصل سیاست را دقیقاً رعایت کنند.
با مشاهده این نوع برخوردار حاکم، طبقه قدرتمند در صدد فره حاکم نیفتند و قهر ضعیف جامعه
به عدالت حاکم ایجادیار پاشند.
مساواتی که علی بن ابیطالب (۱) مجدد آن بود همه حقوق و همه مردم را در بر می‌گرفت و تهیه ویژه مسلمانان نبود، شدت علیاً اجرا در شدن این حقوق از وضعیتی با برقندش امام حسن (۲) در مورد ذیهان یا غیر مسلمانان پدیدار است: هر چهرا را، در مورد پامیرتان، مباد که در بر ایرب شما مورد ستم قرار گیرید (طی ۱۴۹ ج: ۵۱۳۸). لذا می‌توان گفت حضرت امیرالمؤمنین علی (۲) در دوره خلافت خود در تمامی ابعاد مسایات را در میان مردم پروران کرده. تمنوع‌های ذیل بیانگر این مهم می‌باشد:

۱. تساؤل در برای حق: حق محوری، مظهر صدا و ضبط در حکومت علیه است. حق مداری، جلوه و نهایتاً استوارگامی آن بن‌گوار در صدا و ضبط سیاسی است.

۲. تساؤل قانون در حکومت علیه: نکته جالب در مقایسه سنن امام این است که هر چهار طرف، خطاب به افراد صاحب قدرت مثل طلبه و زیبی می‌گوید: با یاد به بن‌گوار الهی در مورد برای مردم نسبت به ثبت الیال، انتظار دیگری از او نداشته باشد، از سوی کنار خطاب به مردم یکی از حقوق آنان را که به زمامداران ایجاد تکلیف می‌کند (به عنوان حق بن‌گوار) بیان آور می‌شود، این همان سیاست قبیلاً حکومت علیه است.

زبان اجرا در میان اصل توسط حضرت امیرالمؤمنین علی (۲) خاصی به خویش پدیداده می‌گردد که اجرا این اأمل حتی در مورد خود ایشان بهطور یکسان با سایر افراد جامعه اجرا می‌گردد. در زمان حضرت فردی پهلوی بر ضد امیرالمؤمنین علی (۲) اقامه دعا و کار به محاکمه کشیده و عصر خلافت علی بن ابیطالب را به منظور اقامه دعوت کرد و در آنجا علی (۲) را به کنیه «ای بالای حسن» خطاب کرد. حضرت از این گونه پیام نگذشته نمی‌شد. پس از اتمام مراعاه خليفه به علی (۲) گفت: گویا از اینکه با یک بیانی در محاکمه حاضر شد، تا اقامه دعی کن، ناراحت گشت؟ حضرت فرمود: «کلاً و آن‌ها سازمان آنکه کنیستیم و در تمامی زمان و بین خصوصی و المسلم و الههیه، امام حق سواء؟»

هرگز ناراحتی من از این بود که مردی به نیاپه پاد کردی، یا بدین سبب مرا بر دیگری ترجیح دادی، و رعایت مسایات میان من و مدعو را نکردی، حال آنکه مسلمانان و یهودی در پیشگاه حق و از نظر قانون معاونید.

اعداد قضاوی: از عهد خلافت عمر، قضات برای شهرهای بزرگ‌گالی از سوی خليفه انتخاب می‌شدند و از پیش المال حقوق دریافت می‌کردند. قوه قضائیه از قوة مجرمای، مستقل بود و
حرمت مقام دادستانی از آن‌جا می‌رسد. چون شخص خلافه نبوده، برای مطلق قانونی، بین همه شهروندان باید اسلامی اعضاً از قریش و غیرقریش و عرب و عجم و سیاه و سفید و مسلم و فز در زمان خلافت حضرت علی (ع) طور کامل مشهود بوده و با دقت اجرا می‌گردد است. امیرالمؤمنین علی (ع) راه نجات و پیشنهاد اسلام عالی وضع و تعیین و تربیت دادستان هست گماشته، در عهد خلافت او عصر جدیدی در تاریخ دادرسی و تربیت دادرسان آغاز شد. و برای تشكیل محاکم ضمایم و اصولی وضع نمود که قبل از او سابقه نداشت. در عهد او برای نخستین بار قوانین محاکمات (علم فقه) مذود گردید. و احکام در همه محاکم کوشاخت اجرا گردید و آن همه علم و قوانین قضایی امرور سرمشق قضاوت و اقدامات و کلکا و...

زمانی تضمن مبادرتی و عدالت و سازشات در جامعه و وجود دارد که دستگاه قضایی، خوش به خوبی و درستی کار خود را انجام دهد.

عدالت حقوقي و قضایی نزد امیرالمؤمنین علی (ع) از چاله‌ها و یکی برخوردار بود. چنانکه آن حضرت در ابتدای حکومت خود به آشنا کردن مردمان با حقوق خوبیه اهتمام کرد و در امور قضایی سخت بر عدالت پای یافته آن حضرت می‌رود. من ابتدا بالقضاء، فلسفه و قواعد فیلسوفان فی الاعمار و الاعتراف و در المجزال (کتاب 14 ج 374) هرکه در مقام حکمران قرار گیرد، باید از اشتهار و افتخار و نیز نشستی به مردم، به سابات و رکا کند.

حضرت علی (ع) در دوران حکومت خود نسبت به اجازه حجدوخ و قوانین الهی بر اساس مگنج، بود. و آن را به‌طور مستقیم در مقالی تملیک افراد اجا می‌کردند و همین برابری و برخورداری از حقوق یکسانی و اجازه قوانین به‌طور مستقیم سپر گردید که اشاره و پرگذاری این اشراط و حضرت پرداخته و گردید. نجاشی، یکی از شعرای معروف زمان و از فردیان علی (ع) بود. وی همیشه به نفاذ علی (ع) و برضا دشمنان نمایه شد. این مورد نشان می‌دهد که جنگ صفین حضرت داشت و گاهی کاهنده معاویه و ناوارش را با شعر پاسخ می‌داد. نجاشی در مات مبتکر اختلاف مرکزی شریعتی و روزا ورودی و حضرت علی (ع) طبق قانون او را حسن حکم. این کار حضرت موجب حضرت یکی از ابتدا که دستور و سرآمد علی (ع) از نظر و باعث نمی‌گردد که ایجاد اجازه حجدوخ الهی منصرف گردد.
عبدالله بن عمر که به علت کشته شدن پدرش به دست ایوبیلو، فرد دیگری به نام هرمزان و نیز خلیفه فردی ایوبیلو را به قتل رساند، هنگامی که با امام بیعت کرد، چنین گفت: او را در عوض کسی که مظلوم کشته شده، حتماً قصاص خواهم کرد.
دلیل این حادثه توجه به قانون، احترام به قانون و برتری همه در مقابل قوانین این بود که
علی(ع) رشد. توسیع، کمال و استقلال جامعه را در این می‌دید که سیستم سیاسی به این صورت اجرا شود.
در جامعه‌ای که قانون فقط برای ضعیف‌اند و بی‌پناهان اجرای آن بوده و اقدامات، منتفی‌اند، نخبگان و... از آن مسئتی باشد، چنین جامعه‌ای عفافی و همبستگی و کمال را درنشینه است.
امیرالمؤمنین(ع) امر نظرات، پژوهش و پیگیری را به عنوان امری لازم و ضروری در اداره کشور مطرح نموده و آن را ضامن امنیت‌داری و حوزه‌نظامی و درست کرداری کارگزاران عفوانی کرده است و ایکه خادمان و اماتنداران بداند. که خدمات و خدمات اقتصادی شناخته می‌شود و مناسب با میزان زحمات و فعالیت‌های آنان رفتار می‌شود بهترین پشتون برای کارگزاران و مايه درگمی ایشان در خدمت‌های و اماتنداری است.
لذا امیرالمؤمنین(ع) پس از بیوت و استقرار حکومت و عضوی بر شورش و هیجانهای انقلابی همه کوشش و تلاش خود را در سه قسمت زیر تمرکز نموده:

۱. اداره امور جامعه و سر و ساماندن کارهایی که به علت مسالمه‌ها و گفتگوها به صورت درهم و آشوب و در آتش‌های بالاذکار سیاسی انجام می‌شود.

۲. تلاش برای برگرداندن مردم به وضع و شرایط اسلامی و تضمین حقوق مساوی برای آنان در همه جنبه‌ها و علل تهیه می‌شود، و فرهنگی و... نتیجه‌گیری به تناسب شرایط و مفهوم‌های جامعه اسلامی و بر اساس شرایط سالم و رعایت فضایی و شایستگی‌ها لازم (قلمی، ۱۳۷۳:۱۶۹).

۳) حق تعلیم و تربیت
حق و نفوذ مردم از حکومت به تأمین نیازهای مادی آنان منحصر نیست، تأمین و تربیت فرهنگ عمومی با راهکارهای مختلفی جون گسترش مدارس و رسانه‌های جمعی و مبارزه با بی‌پیوستگی و کم‌سوسیدی نیز در شمار حقوق اساسی مردم جای دارد. در نظام علمی، توسیع فرهنگی بر توسیع اقتصادی تقدم دارد.
در جامعه علمیه، ترقی و تعالی فرهنگی و علمی و ترویج نفس انسانی به صورتی فراگیر از وظیفه و آزمونهای حکومت شمرده می‌شود. حضور در این باره می‌فرماید: آیا پرسش، آیا لیکوم حق؟، آیا لیکوم حق؟، آیا حق، آیا حق؟ فیکم، فیکم، فیکم، فیکم کیا نجهلو و تادیپیکم کیا تعیمنا، (دهشت 1382؛ خطه 642) مردم، مرا پر شما حقی است و شما را بر من حقی بر من است پای خواهی از شما دریغ ندارم و حقی را که بیت المال دادرد، بگزرد و شما را تعلیم دهم تا نادان نمانید و آداب آموزمر تا بدانید.

(4) حق امنیت

امنیت واقع و منبی بر نظم و قانون الهی همواره مورد تأکید امام علی(ع) و از اهداف و آزمونهای عالیه ایشان بوده است. امام علی(ع) نیز منتقد مانند دانشمندان اسلامی به دیدگاه ضرورت وجود امنیت و قدرتی نظم آفرین معتقد به محال بودن عدم وجود حکومت است. حضور (علی) حکومت بدون قوانین نامطلوب را از هرج و مرج و بی قانونی بی‌هم و آسیب و تنهایی اشکری می‌داند؛ زیرا در برای بی قانونی و هرج و مرج تنام راههای نجات مسدد و کلیه امور حکومت اطمینان می‌شود و فتنه طولانی حاکم می‌شود. امام(ع)، امینی را تعیین گواهی‌می‌داند که سرمنشا راهه، زندگی، آبادانی، آسایش شهرزادان است (رسوی محلاتی 1385ج: 122).

از دیدگاه حضرت، بیکی از وظایف اصلی هر حکومت، تأمین امنیت مردم از جهات مختلف است. ایشان می‌فرامی‌دند:

الهی‌نامه، ولیک امین این، که از کانی منتفی‌مانند سلطنت و انتساب می‌شود. نظره‌ای ثابت چنین بی‌شک است. امام علی(ع)، عادیک و بقای امین، کنار گذشته از حدودک (دهشت 1382؛ خطه 642).

خداوند، تو آگاهی آنچه از ما صادر شده (جنگل‌ها) تا برای اشتیاق به حکومت بوده و نه برای نصاحب معانی دنیا، بلکه برای آن بود که در شهرها اصلاح و آسایش بر قرار سازیم تا بندگان ستم کشیده‌ها در امنیت و آرامش به سر برند.

(5) حق مشورت و مشارکت مردم در امور

مشورت در اداره امور و پرهیز از خودآوری، از مؤکت‌ترین کارها در راه و رسماً مدیریت امام علی(ع) است. آن حضرت همچون رسول خدا(ص) با وجود برخوردی از مقام عصمت و طهارت،
و با آنکه از نظر علم و دانش و عقل و خردنده و تدبیر و میانبرداری در مرتبطی به قرار داشت که او از آرا و نظرات دیگران پیتاز می‌ساخت اما پیوسته نمی‌سرد و به کارگزاران خودم آمخته که چنین کنن. پیشوا آزادگان علی(5) در نامه‌ای که سرانت سفاه خودن نوشتethe، در این باره چنین فرموده است:

من عبد الله علی امیرمؤمنین را، از اصحاب المصلح؛ اما بعد فانعَّا علی

الواین ان لا یغبره علی رعیته فصلنِّه و لا مؤنَّه خصبه، و انْ انْ زانْه ما قسم

الله من نعمة دنور من عبادات و عظیماً علیاً، اآ انْ انْ لکم عندی ان لا

احظر دوکْم رن مِن حرب، ولا انْ ابی دوکْم امرَ الَّا حکمَ (دَشَنی

۱۳۸۲ نامه ۵۰)

از بنده خدا علی بن بن سلطان، امیر مؤمنین به نیروهای مسلح و نگهبان‌های مرزی. اما بعد، حلقی

که بر وکی و زمامدار، انجام دادن آن لازم است این است که فضل و بروزه که یک، او بر سیاه و قیام

خاصی که به او داده شده است، یاده، ای نسبت به رعیت، دوگره گون، کو و یکین تعمیمی که خداوند،

به او ارزانی لازمه است، باید، هرچه بیشتر ای را به نگاه خدا ندیده و نسبت به برادران روز

و مهربان نازد. آگاه باشید! حتماً بر من این است که جز اسرار جنگی، هیچ سرّی را از شما

پنهان نشان و در اموری که پیش می‌آید، جز حکم لله، بدن منشورت شما کاری انجام ندهم.

۶) رعایت حقوق اخلاقی

وجود ارتباط عاطفی و قلبی و باور داشتن رهبر از حقوق عمومی جامعه نسبت به رهبری است.

رهبر در حکومت اسلامی باید، مظهر عادلیت و نظم خلوص و اعمال، از خودگانشگی،

ساده‌ترایی، مدیر دوستی باشد تا جامعه قلبی ای را دوست بدارید و رابطه عاطفی و قلبی جامعه با او

به وجود باید. مردم در حکومت اسلامی و در هر جامعه دیگر انسانهای دفاکار، دلسوز و مومن را

دوست می‌دارند و آگاه که این صفات نیکو در رهبر تجلی یابد، منجر به ایجاد حکومت بر دلها

خواهد شد. وجود این رابط عاطفی و ایجاد آن از حقوق مردم نسبت به رهبری جامعه است،

جامعه باید، دارای این ارتباط با رهبر خود باشد. رهمندوده رهبر در جان مردم اثر بگذارد و منجر

به رفتارهای مورد انتظار حکومت در جامعه گردد. وجود چنین ارتباط عاطفی از حقوق نباید

مردم در جامعه با حکومت اسلامی اینست و رهبر و امامت در حکومت اسلامی باید با تقوا و
حفظ کرامت انسانی

پیکر از اصولی که امام (ص) بدان پایبند بود، حفظ ارزش و کرامت انسانی است. میزان اهمیت ارزش انسانی افزودن توجه حضور و سپرده حکومتی و حکم‌گذاری اخلاقی بر سر بسیار تأثیر نمی‌گذارد، این به اینکه انسان انسان را به خود نهایت تغییر رضایت مردم در جهت اهداف حکومت خواهد گردید.

(7) حفظ کرامت انسانی

امام را به دو دسته می‌داند؛ یا برادران دینی زمامدارند و یا در خلق و برایت یا برایت بر همین اساس به مالک توصیه می‌کند با مردم همچون جانور درند بخورند، بخودشان را غنیست نشمارد.

(8) اهتمام به رضایت عمومی

از نگاه ابوجامی (ص) تأمین خواتمه‌های مشروط مردم و راضی ساختن آنان، نمی‌تواند در برای رضایت خداوند نبست، بلکه در جهت تأمین رضایت حق تعالی است. امام (ص) در عهدنامه معروف خود به مالک اشرت، چنین توصیه می‌کند:

لکن از احتمال این که او وصی که به این حکم بگذارد و به طرف ساره عدلان و جریان آن فراگیر یا همیشه و رضایت مردم را بهتر تأمین نماید. چرا که نارضایتی عمومی، رضایت خواص را به اثر گذارد و تارضایتی خواص اگر عالم مردم راضی باشد، زیان‌آفرین است.
ارتباط مستقیم با مردم

(9) امبرؤلمنین على (2) پدیده قیالی گرایی را به شدت زیر نظر داشت. پدیده‌ای که در گسترش وجود گروهی سرامی‌دار باعث و در حال رشد، و نیز با وزیگی دیده - اقتصادی، تیلور بیده بود. اما، دیده‌کنندگان، که بیش از گروه از جاده اسلام و سنت‌های مسلمان (اص) انحیاء کرده‌اند. از این رو، روابط خود را با این پدیده و اشکال جدیدی آن را هم از لحاظ فکری و هم از لحاظ عملي اسلامی اسلامی کرده و به همین دلیل، ارتباط زنده و درست و رو به مردم را ضامن برگزاری بروز روان شدن حق در مجاتری روشن خوش‌مراتب و وجود نمایندگان، موانع و واسطه‌ها در میان زمین‌داران و ملیش را می‌کرد، تا استفاده از راه‌های بار آورده که در ارتباط مستقیم با مردم باشند و این ارتباط مستقیم به صورت شیوه‌ای پایدار اسلامی درآید. که از طریق آن، احکام حق و عدالت به مردم اجرای گذاشته شود.

حضرت علی(ع) در نامه ۶۷ از جمله راههای رسیدن به خوشنی و اعتقاد مردم را اطلاع کافی

بود واسطه و حضور بدون همراه در جمع مردم بیان می‌کرد: دو لحاظ تا نسبت‌های همسایه، طبیعت در اثر اجازه داده بود که در اثر اعتقاد رسیدگان، جبيب اطلاع از آنچه باشد، توجه به جایگاه ایشان و سیاست‌های برای حمایت مردم در بحران‌ها از نظام سیاسی است و سال‌ها خواهد بود در برای اطلاع رسیدگان غفلت و مغفول‌نشدنی. لذا در صورت عدم دریافت اطلاعات از جماری صحيح، ناجی از سیکت اخبار از مجازی مسیح و توقع و اساس اختلاف و تفاهم بین حامی و مردم است و از قوت و استحکام یک حکومت خبر می‌دهد.
22

(۱۰) مورد داری و رفق و مداد را با مورد امام علی(ع) می‌فرماید: «او، اسرار قلب زنده‌اند لزوماً به مهی و لطف بههم و لطف بههم و لا تکnown علىهم سبیل ضاریاً بتیم أکله‌هم» (دستی: ۱۳۸۲، نامه: ۱۰۳، محبب و لطف بر رعیت بر دید قرب خود جای ده و بر آنان درندیاً خون‌خوار مباش که خوردن آنها را مغتنم شماری.

(۱۱) صداقت
امام علی(ع) نیز مکرر بر صداقت و راستی در جفتار و کردار تأکید می‌کند و آن را عامل نجات و موجب کرامت و بزرگ‌گردن می‌دانند. «الصادق علی شرف منقاه و کرامه» (دستی: ۱۳۸۲، خطه: ۸۶).

(۱۲) امانت داری
امیرالمؤمنین علی(ع) به رفاهه‌ی کیکی از کارگرانش می‌فرماید: «دو اعلم یا رفاهه‌ی این امانت امانه، گفتگوی خبره، غفلت به علی پیامبر امامت مخصوص کرد.»

امام علی(ع) در این زمینه می‌فرماید: «الفرق بلالحم، و الحزم، و جاجلیه، و الارقیه، و تحقیق السراره.» (دستی: ۱۳۸۲: حکمت: ۲۹: پیروزی در سایه، درانلیشی، و دورانلیشی در سایه تفکر تفکر در سایه

حفظ اسرار حاصل می‌شود.

(۱۳) یاکسای‌ی محيط از چالووسان
یکی‌ی از وزیگرها هر ارتباط میان حاکم و اطرافیانه که به تباهی حاکم و اصلاح نشدن امور تبدیل می‌گردد، چالووس است. امام علی(ع) می‌فرماید: «به‌طور حتم کسی سرازی آن‌ها است که چالووسی نکند، و مودر خود جو و مغفر طمع واقع نشود.» (رسولی، محلاتی امامت: ۱۳۸۵، ج: ۲، خطه: ۱۷۶.)

حضرت در تعیین چالووسی این‌چنین می‌فرماید: «النم از کثر مامت‌الاستحقلاق ملیّ و التقصیر عن الاستحقاق عیّ او حسّة» (دستی: ۱۳۸۲، حکمت: ۳۴۷: سیدون بیش از آن‌چه سرازی است، نوعی چالووسی و کمتر از آن‌چه سرازی است، نوعی.
حق وفاداری به بیع و اطاعت کامل

در مذهب اسلام، کسی که شاهیت بیع کرده است حتی بازید از یک امتیاز عالی به‌خوددار به‌اشک‌که آن را نیبود، می‌نامند. در صورت فقدان آن، شخصی که از امتیازات امامت برخوردار است، شاهیت بیع کرده است. این امتیاز و فای وکی بیع را حتمی و الزامی و تخلیف از آن را

جریمی نابخشودنی می‌گردد.

البته در مورد اطاعت هم می‌توان گفت اطاعت حق نیست بلکه یک حکم عقلی است که عقل آن را تجهیز می‌گیرد. از این رو، عقل نتایب می‌شود که باشیت اطاعت کرده و اطاعت واجب است. زیرا شرع نمی‌تواند بگوید اما اطاعت کن که علت اینکه باشیت برای این اطاعت کردن دوباره امر به اطاعت کردن نماید و برای این اطاعت کردن، مجدد اطاعت دیگر بیاورد و اینجا تکرر لازم می‌آید. لذا هنگام وقت شرع و قانون‌گذاری نمی‌توانند بگوید اطاعت حکم امری من را، بلکه این عقل است که هشدار می‌دهد که باشیت اطاعت کرده و لذا در جایی که گفته شده است:

"اطیاف الله و آتیاف الرسل و اولی آئمر بی‌خانم" (نساء: ۲۵)، حمل بر ارشار محسوس است که نه یک امت

مولوی.

بیع از ماده دوم، به معنای "فرض و خرن" است. گویا بیع کننده، بیع خود و وجدان و تسلیم‌پذیرش را به حکومت و حاکم و اگر می‌کند. حاکم با مشاهده بیع و عزم راسخ مردم به حمايت از حکومت، به عصر سبایت و حکومت گام می‌نهد. بیع در صدر اسلام و زمان حکومت امام (۳) رابی بود. مردم آن عصر خود را به باشیت باز و اطاعت خود را به بیع خود مانند می‌دانستند و تخلیف از آن را چرم به شمار می‌آوردند. حضرت علی (۴) واعظ حکومت بر مردم را وفا به

بیع ذکر می‌کند: اما حقی را علی‌الله قادر به فرمان بی‌خانم" (دشتی: ۱۳۸۲: شعر ۴۳).

امام (۴) اطاعت مردم از فرمان‌دارش را به مطابقت با فرمان‌هایی وی با حق مشروط می‌کند:

"فاسمعنا به اعتیاد امره دینی طلائی الحقی" (دشتی: ۱۳۸۲: نامه ۳۸: سخنگ و اولام مثل، را گوش فرائیدی، چنانکه مطابق حق باشد، از آن پروری کنی.

حق تصیبیت و خیز خواهی

خواسته و طلب حکومت و حاکم از مردم نشانه در طاعت از آن منحصر نشده است، بلکه یکی

دیگر از حقوق حکومت بر مردم این است که حکومت و مسئولان حکومتی را با تصیبیت و ارائه
راهکارهای نظیر و عملی در پیشبرد امور پارسیان. حکومت این انتظار و موقعیت را از مورد مخصوصاً متخصصان و فرهنگ‌گاه جامعه دارد تا بذلک، ضعف و کاسته‌های دولت را گوشه‌زد کرده و به آن بیشتر امداد برسانند. در مکتب علی‌تیم نصیبی و اتفاقی سازند از حکومت حق دو اتاق بزرگ است. به این معنی که مردم به دلیل شهره‌آوری حق دارند، اشتغال حکومت را متذکر شوند. از سوی دیگر حکومت این حق را دارد که در مسیر محورهای خود، مردم را با راهبیشیها و نصیحت‌های خوبی به مقدمات برتر حکومت هدایت کند. در این دیدگاه، جانبه مردم و متخصصان در ارائه راهبردهای نظری و عملی به حکومت سینی نشان دهنده، حق حاکم را پایمال کرده‌اند و شایسته نکوهش و کیفیت.

النصیحه لائمه المسلمین: یک تعبیر ریشه‌دار و برسابقه است که در روابط متعادلی به چشم می‌خورد. سرچشمه این عونان از پیامبر اکرمص) است که در حجة الدواعی ضمن سخنرانی در مجید خیف آن را مطرح نموده، و پس از آن در بیانات اینه اطهار(ابعونان یکی از مسئولیت‌های امت اسلامی مورد تأکید قرار گرفت. آن‌جا که محدّثان شیعه همچون مرحوم کلیتی، بحث کاشانی و عملاه محلی، در جوامع روابطی فضیل را به این عونان اختصاص داده‌اند. (مجلاتی: 1387).

نصیحت خیرخواهی است؛ پس گفتار يا عملی که در آن خیر منظور شده باشد. (مجلاتی: 1387).

حکمران از مورد می‌خواست که با تصیب مسئولیت و خالصانی بررسی کند: فوایدی بمناسبت خلیفه من الفیر سلیم من جمیب (دبیر: 1387: خطبه 118)، مردم، سرا با نانوز خالص و تهی از هر نوع خیانت و تردید پاره دهد.

۱۶ کیفر مجرم و توطئه‌گر
حضرت در نامه‌ای به یکی از سران لشکروش می‌فرماید:

وان عبدالله یک ملی‌الاطاله فداک که نه‌باید و این توطئه‌ها بر آشور پلر لقب
الشفا و العصیان قانع‌ب می‌آموزند فین اطاله آن‌که از عصبانیه (دبیر: 1382: نامه 4).

اگر مخالفان به سایه اطاعت گریختند، این چیزی است که ما می‌خواهیم، اما اگر کارشناس به جدایی و العصیان و سرکوبی کشید، با یارانه سربه و عصیانگر سپری کن.
حضرت درباره طلبه و زیر که به توطیه پرترادی حکومت علی اکبر حسن علیه دست پایانه بوده، فرمود:

و لکنی اضراب بال‌البینی از الحقیقی المبارک عیه و بالإسلام المطوع العاصم البالغ ابیها (دشتی ۱۳۸۲):

خطه ۶.

منابع

- اتاتوکو، یوشی‌نیشی (۱۳۸۷) فرهنگ جامع کازینوی فرانژان (عربی-فارسی)، تهران: نشر و پژوهش فرانژان نشر روز، ۴ ج، باب اول.
- امام خمینی، سید روح‌الله (۱۳۷۹) کتاب الیکی، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (مجمع جمهوری جمیع) و نشر هروج.
- تهاتوی، محمدعلی بن علی (۱۹۹۰) کتاب اصطلاحات الفنون، پرور: مکتب البنیان، ناشریه، باب اول.
- تلفیق ابن حوقل (۱۳۱۲) ترجمه عربی湖泊 الیکی، ترجمه عبدالرحیم آبی‌نیا، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، باب اول.
- جرایر طریقبی، محمد (۱۳۶۹) تاریخ طریقبی، پرور: مؤسسه الامام شیخالقرآن و خدمات علمیه، باب اول.
- جوادی ملکی، علی‌الله (۱۳۵۵) حق و تکفیر در اسلام، مرکز چاب و انتشارات اسلامی.
- جهانی، آهنگری (۱۳۸۳) مجموعه بهادردان امام علی (۱)، صفا، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، باب اول.
- حرانی، حسن بن علی (۱۴۱۶) تحقیقات قلم: مؤسسه النشر لاسلامی و تاریخه به جامعه مدرسین، باب اول.
- جهانی، حسین (۱۳۸۸) تحقیقات قلم: مؤسسه النشر لاسلامی و تاریخه به جامعه مدرسین، باب اول.
- حیدری نیکی، محمد (۱۳۸۸) حکومت از ارگ‌های نهضت سیاسی، تهران: نشر عدل.
- شاهکار، محمدرضا (۱۳۸۲) تحقیقات، پرور: مؤسسه فرهنگی تحقیقات ایران، باب اول.
- رسولی، رضوانی، قاسم (۱۳۸۵) ترجمه و تحقیق قلم: مجموعه بهادردان امام علی (۱)، تهران: وزارت فرهنگ و اسلامی، باب اول.
- شریعتی، مهدی (۱۳۸۵) انتشارات مکتب آیت الله مرعشی نجفی.
- طریقی، فضل‌الدین (۱۳۴۲) مجموعه بهادردان امام علی، مؤسسه فرهنگ و اسلامی، باب اول.
- عمیدی، حسن (۱۳۷۸) فرهنگ سیاسی، تهران: مؤسسه انتشارات امیرکبیر، باب دوم.
- قاسمی، علی (۱۳۸۳) درک کتاب امیرکبیر، تهران: انتشارات امیرکبیر.
- کلی، پژوهش (۱۴۱۲) آثارهای تاریخ، پرور: دارالمعارف و دانشگاه، الطبیعه، رابیه.
- مجله، محمدباقر. (۱۳۸۳) جهان‌العلوم، پیروت: مؤسسه الوفا، چاپ دوم.
- محلاتی، محمدسروش. (۱۳۸۲) صیانت الهه صلحی، مؤسسه پژوهشی فرهنگی فهم.
- محمودی مرودشتی، محمدباقر. (۱۳۸۷) نهج‌السادات در مقدمه نهج‌البلاغه، پیروت.
- منصوری، سید مهدی. (۱۳۸۱) مفاخران سیاسی، تهران: مؤسسه فرهنگی دانش و اندیشه معاصر، چاپ اول.
- نحوی، سید محمد. (۱۳۸۰) فرهنگ کلمه وارد عربی در فارسی (دخیل)، انتشارات اسلامی.